

عنوان؛ بررسی کاربرد روش های نظریه ی زمینه ای برای فهم وجوه موضوع طراحی، در آموزش معماری (نمونه ی موردی؛ فهم فضای ایوان)

پرسش های تحقیق؛

- آیا کاربرد روشهای نظریه ی زمینه ای می تواند در جهت ارتقاء فهم دانشجویان از موضوع طراحی در کارگاههای آموزش معماری کارآمد باشد؟

واژگان کلیدی؛ وجوه، موضوع طراحی، نظریه ی زمینه ای، آموزش معماری، ایوان

Key words; properties, dimensions, design subject, grounded theory, teaching architecture, Eivan

فهرست؛

چکیده

مقدمه

نظریه ی زمینه ای؛ چارچوب نظری پژوهش

روش پژوهش

پیشینه ی پژوهش

۱- ضرورت فهم وجوه موضوع طراحی در آموزش معماری

۲- راهکارهای تقویت فهم وجوه موضوع بر اساس نظریه ی زمینه ای

۱-۲- پرسیدن سوالات استفهامی

۲-۲- تعمق در واژگان و عبارات

۲-۳- مقایسه کردن

۳- بررسی تمرین «فهم فضای ایوان»

۳-۱- صورت تمرین، مراحل و روش انجام آن

۳-۲- نتایج استخراج شده از بخش اول و دوم تمرین

۴- بحث

۵- نتیجه گیری

منابع

چکیده

پژوهش حاضر بر آن است که کاربرد روشهای مطرح شده در یکی از انواع راهبردهای پژوهش، یعنی نظریه ی زمینه ای را در شناخت موضوع، در حیطه ی آموزش معماری بررسی نماید. سوال این است که «آیا کاربرد روشهای نظریه ی زمینه ای می تواند در جهت ارتقاء فهم دانشجویان از موضوع طراحی در کارگاههای آموزش معماری کارآمد باشد؟» هدف آن است که با استفاده از این روشها، توانایی دانشجویان در عبور از ذهنیت های قبلی شان از یک موضوع، افزایش یافته و بتوانند به شناخت جامع تر و صحیح تری از موضوع برسند. این بررسی در قالب تحلیل یک تمرین که بر مبنای استفاده از روشهای مذکور و بر محور فهم فضای ایوان به عنوان یک مصداق، طراحی شده، پیگیری خواهد شد. از خلال مقایسه ی تصور اولیه ی دانشجویان از ایوان با تصور ثانویه ای که بعد از انجام تمرین از این فضا برای آنها شکل گرفته، کاربرد روشهای نظریه ی زمینه ای در آموزش معماری امکان سنجی می گردد. روش پژوهش از حیث هدف، کاربردی و از لحاظ محتوا توصیفی-تحلیلی است و بر مطالعات کتابخانه ای و میدانی استوار است. در بخش اول با تحلیل محتوای منابع مکتوب سعی می گردد راهکارهای فهم وجوه و حدود موضوعات در نظریه ی زمینه ای استخراج شود. در ضمن این راهکارها با بعضی راهکارهای ارتقاء خلاقیت قیاس می گردد. در بخش دوم، یک تمرین ارائه و بررسی می گردد که مراحل آن در جهت به کارگیری روشهای مذکور طراحی شده است. تمرین دو بخش دارد. بخش اول آن معطوف به ثبت تصور اولیه ی دانشجویان از فضای ایوان است. بخش دوم تمرین مربوط به کاربرد روشهای مذکور در شناخت ایوان است. نتایج نشان می دهد تصور دانشجویان از موضوع، بعد از کاربرد روشهای مذکور، بسط یافته، تصحیح و تدقیق شده است، به طوری که توانسته اند وجوه اصلی و فرعی موضوع را شناسایی و تفکیک نمایند و از این طریق به وجوه اصلی تر موضوع دست یابند. این امر تا حدی کارآمدی روشهای نظریه ی زمینه ای در شناخت موضوع طراحی را تأیید نموده و برخی فرصت ها و محدودیت های کاربرد این روشها را در آموزش معماری آشکار می سازد.

مقدمه:

رابطه ای دوسویه میان فهم مسأله ی طراحی و ارائه ی راه حل بهینه وجود دارد. اما بد ساختار^۲ بودن مسأله ی طراحی فهم آن را دشوار می نماید. به همین دلیل طراحان در شروع طراحی، با گزینش ویژگی هایی از مسأله که مهم تر به نظر می رسد، آن را برای خود باز تعریف می کنند.^۳ مهارت طراح در جامع دیدن مسأله و تشخیص ویژگی های اصلی آن، از مهمترین کلیدهای موفقیت او در طراحی است. در این مسیر تأثیر پیش انگاشته و ذهنیات طراح گریز ناپذیر است اما گاه خود این پیش فرضها دامی در جهت احراز شناخت ویژگی های اساسی می شوند.^۴ دشواری در کشف جوانب گوناگون و ویژگی های اصلی مسأله، مختص به حوزه ی طراحی نیست و در هر شناختی رخ می دهد.^۵ راه بیرون آمدن از این موقعیت، افزایش «توانایی اندیشیدن به راههای تازه برای دیدن مسأله و پی بردن خلاقانه به حدود مسأله»^۶ است. یکی از حوزه هایی که از نظر نیاز به خلاقانه دیدن موضوع^۷، به طراحی شبیه است، «پژوهش کیفی»^۸ و به طور خاص «نظریه ی زمینه ای»^۹ است.^{۱۰} مبنای پژوهش کیفی بر پیچیده دانستن پدیده ها و دشواری در درک عمق معنای آنهاست.^{۱۱} در نتیجه این نوع پژوهش ماهیتا

^۱ - برایان لاوسون، طراحان چگونه می اندیشند، صص ۱۳۷ و ۱۳۹

2- III- structured

^۲ - فرهاد شریعت راد، حمید ندیمی، قاب بندی مسأله؛ راه طراحانه ی روبرویی با مسأله ی طراحی، ص ۵

^۳ - برایان لاوسون، طراحان چگونه می اندیشند، ص ۲۷۰

5 - Corbin.J and Strauss .A. Basics of Qualitative Research. P 95

^۴ - فرهاد شریعت راد، حمید ندیمی، قاب بندی مسأله؛ راه طراحانه ی روبرویی با مسأله ی طراحی، ص ۱۵

^۵ - در اینجا منظور معنای عام واژه ی «موضوع» معادل subject است نه لزوما موضوع طراحی.

^۸ - پژوهش کیفی گونه ای از روشهای پژوهش است که در آن داده های جمع آوری شده از طریق مشاهده، مصاحبه و غیره، در مراحل توسط پژوهشگر سازماندهی و تفسیر می شوند تا در نهایت ارتباط جدیدی میان مقولات برقرار گشته و نظریه ای تولید شود. (انسلم استراوس، جولیت کربین، مبنای پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه ی زمینه ای، ص ۳۳)

^۹ - زمانی که در یک پژوهش کیفی «نظریه ی نهایی مستقیما از داده هایی استخراج شده باشد که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده اند، آن نظریه را زمینه ای می نامند» (انسلم استراوس، جولیت کربین، مبنای پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه ی زمینه ای، ص ۳۴)

^{۱۰} - استراس و کربن با بررسی در حوزه ی تحقیق کیفی متوجه شدند که معمولا پژوهشگران در رسیدن به دیدی واقعی و جامع و در نتیجه تحلیلی درست از موضوع پژوهش موفقیت چندانی ندارند. زیرا با ذهنی انباشته از فرضیات و تجارب پیشین به پژوهش وارد می شوند، در حالی که خود از این امر آگاه نیستند. Corbin.J and

Strauss .A. Basics of Qualitative Research. P 75

^{۱۱} - انسلم استراوس، جولیت کربین، مبنای پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه ی زمینه ای، ص ۲۸

توأم با حدی از ابهام و مبتنی بر تفسیرهای ذهنی پژوهشگر است.^{۱۲} در میان انواع روشهای کیفی پژوهش، «نظریه ی زمینه ای» بیش از همه از این ماهیت مبهم برخوردار است؛ «در این روش پژوهشگر کار خود را با نظریه ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی کند، بلکه می گذارد تا نظریه از درون داده هایی که گرد می آورد، پدیدار شود.»^{۱۳} در اینجا هم برای کشف موضوع نیاز به عبور از پیش انگاشته ها و رفتن به ورای آنهاست.^{۱۴} در همین حوزه در جهت «گشوده» شدن ذهن و فهم معانی «ممکن» و «محتمل» موضوع و وجوه^{۱۵} و حدود^{۱۶} آن راهکارهایی پیشنهاد شده است. در این صورت این سوال پیش می آید که «آیا می توان این راهکارها را در مرحله ی شناخت از مراحل طراحی به کار برد؟» این سوال درباره ی هر دو بخش اصلی مسأله ی طراحی یعنی موضوع و بستر طرح می تواند مطرح شود. اما به ضرورت تحدید پژوهش، در اینجا تمرکز بر شناخت موضوع است و سوال عبارتست از این که «آیا کاربرد روشهای نظریه ی زمینه ای می تواند در جهت ارتقاء فهم دانشجویان از موضوع طراحی در کارگاههای آموزش معماری کارآمد باشد؟»

در جهت یافتن پاسخ سوال فوق، پژوهش حاضر، از سه بخش تشکیل شده است؛ در بخش اول، روشهای ارائه شده در نظریه ی زمینه ای برای فهم وجوه و حدود موضوع آورده می شود. در بخش دوم تجربه ی به کارگیری این روشها در کارگاه درک و بیان محیط در قالب یک نمونه ی موردی یعنی تمرین فهم فضای ایوان، ارائه و نقد می گردد. بخش سوم به مقایسه ی فهم اولیه ی دانشجویان از ایوان با فهم ثانویه ای که پس از انجام تمرین و به کار بستن روشهای نظریه ی زمینه ای برای آنها شکل گرفته اختصاص دارد. نتایج این مقایسه فرضیه ی پژوهش را می آزماید و در قالب تحلیل و نتیجه گیری نهایی ارائه خواهد شد.

نظریه ی زمینه ای؛ چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر، نظریه ی زمینه ای است. این رویکرد که یکی از انواع روشهای پژوهش کیفی است، بر جمع آوری داده های دست اول از طریق مشاهده؛ مصاحبه و غیره در مطالعه ای میدانی متکی است. این داده ها طی مراحل و روشهایی کدگذاری شده و با شکل دادن به یک داستان، در جهت ساختاردهی نظری به یک واقعیت (مسأله) و نهایتاً توصیف آن به کار می روند.^{۱۷} در این رویکرد «محقق شخصاً به صورت عینی و تجربی درگیر گردآوری داده ها و تجزیه و تحلیل است و فرآیند ایجاد نظریه از همان ابتدای شروع پژوهش تا پایان آن به صورت مداوم ادامه دارد.»^{۱۸} روشهای نظریه ی زمینه ای فرصتی فراهم می آورد تا محقق و یا مشارکت کنندگان در تحقیق «افکار خود را پیرامون مسأله ای که برایشان اهمیت دارد سامان دهی کنند و به ایشان اجازه می دهد در مورد مسائلی که برایشان اهمیت دارد به تفکر و تعمق بپردازند و به درک و بینشی تازه نائل آیند.»^{۱۹}

در فرآیند ساخت و تنبیین نظریه زمینه ای، داده های گردآوری شده به مفاهیم^{۲۰} و مقولات تبدیل و در پیوستاری فرآیندی به هم متصل می شوند. این پیوستار شامل مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی است که توسط استراوس و کربن مطرح شده اند. کدگذاری به معنای رمزگشایی و تفسیر داده ها و شامل نام گذاری مفاهیم و تبیین آن ها با جزئیات بیشتر به شیوه ی استقرائی است^{۲۱} و به فرآیندی از تحلیل اشاره دارد که از خلال آن مفاهیم تشخیص داده شده است، وجوه و حدود آن در داده ها کشف می شوند. به بیان دیگر کدگذاری فرآیندی تحلیلی است که طی آن داده ها تفکیک، مفهوم بندی و یکپارچه می شوند به گونه ای که بتوان نظریه ی نهایی را شکل دهند.^{۲۲}

هر چند اولین کاربردهای نظریه ی زمینه ای در علوم اجتماعی بوده و این روش در همین حوزه مولد شده است اما به خوبی جایگاه خود را در دیگر حوزه های مطالعاتی علوم انسانی و از جمله پژوهش های معماری و طراحی شهری یافته است. با این حال هنوز شاهد کاربرد این روش در حوزه ی طراحی معماری و به تبع آموزش معماری نبوده ایم. از آنجا که در فهم مسأله ی طراحی هم نیاز به استفاده از روشهایی است که بتواند تا حد ممکن توانایی و آگاهی ذهن دانشجویان را افزایش داده، آنها را در به عمق رفتن و تامل کردن کمک کنند و در ضمن

^{۱۲} - همانجا

^{۱۳} - همان، ص ۳۴

14- Corbin.J and Strauss .A. Basics of Qualitative Research. P 76

15 - Properties

16 - Dimentions

^{۱۷} -زاده لک، «کاربرد نظریه ی زمینه ای در پژوهش طراحی شهری» و محمد. عباس زاده و ابراهیم حسین پور. کاربرد تفلث در پژوهش های کیفی (با تاکید بر رویکرد نظریه ی زمینه ای). ص ۱۴۷

^{۱۸} -احمد محمدپور، تجربه ی نوسازی، مطالعه ی تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه ی زمینه ای. ص ۱۴۲

^{۱۹} -رشید جعفری و دیگران. درباره ی نوستالژیا و معماری؛ تبیین وجوه معماری مبتنی بر نوستالژیا با بهره گیری از نظریه ی زمینه ای. ص ۱۲

20- concepts

^{۲۱} - انسلم استراوس، جولیت کربین، مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه ی زمینه ای

^{۲۲} - رشید جعفری و دیگران. درباره ی نوستالژیا و معماری؛ تبیین وجوه معماری مبتنی بر نوستالژیا با بهره گیری از نظریه ی زمینه ای. ص ۱۲

دانشجویان را هر چه بیشتر با موضوع درگیر کنند، به نظر می رسد نظریه زمینه ای و روشهای آن بیش از روشهای دیگر در این راستا کارآمد باشد.

روش پژوهش

پارادایم پژوهش کیفی است زیرا اعتقاد بر آن است که عوامل بسیاری می تواند بر فهم دانشجویان از موضوع طراحی موثر باشد. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی بوده و علاوه بر دروس سالهای پایه، در کارگاههای طراحی معماری و به طور خاص در مرحله ی شناخت موضوع طراحی قابل استفاده است. همچنین روش، به لحاظ محتوا ترکیبی از مطالعات نظری و مطالعه ی میدانی است که در قالب توصیفی-تحلیلی تبیین خواهد شد.

فرضیه ی پژوهش عبارتست از این که «راهکارهای مطرح شده در نظریه ی زمینه ای می تواند در حیطه ی آموزش معماری و در مرحله ی شناخت موضوع کارآمد باشد و فهم دانشجویان را ارتقاء بخشد». در جهت اثبات این فرضیه پس از رجوع به منابع مکتوب و استخراج راهکارهای نظریه ی زمینه ای و مقایسه ی آن با دیگر روش های ارتقاء خلاقیت، یک تمرین که با استفاده از این راهکارها پیش برده شده است به عنوان بخش میدانی پژوهش مورد بررسی و آزمون قرار خواهد گرفت. به این ترتیب که با مقایسه ی تحلیلی ذهنیت دانشجویان از موضوعی خاص (فضای ایوان) قبل از استفاده از روشهای نظریه ی زمینه ای با ذهنیت آنها پس از انجام تمرین، امکان کاربرد و میزان کارآمدی راهکارهای نظریه ی زمینه ای در حوزه ی شناخت موضوع در آموزش معماری سنجیده می شود. در نهایت فرصت ها و محدودیت های تعریف تمرینات مشابه و کاربرد روشهای مذکور در قالب نتیجه گیری و تحلیل نهایی ارائه خواهد شد.

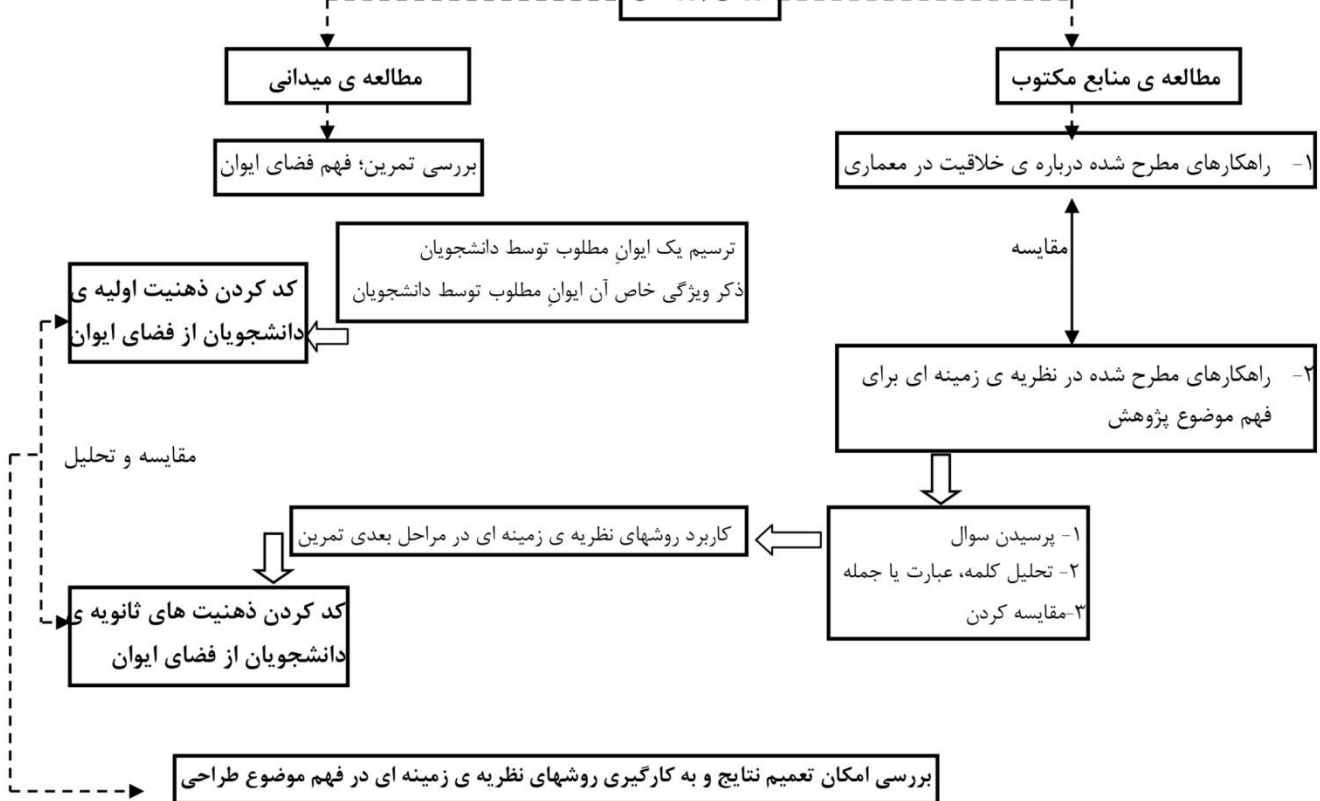
چنان که ذکر شد تمرین مورد تحلیل در این نوشتار، دو بخش اصلی دارد. مقایسه ی نتایج دو بخش، مبنای سنجش فرضیه است بنا بر این ذکر توضیحاتی درباره ی چگونگی رسیدن به این نتایج لازم است؛ در هر دو بخش، از نظریه ی زمینه ای برای رسیدن به نتیجه استفاده شده است. هر چند هدف از نظریه ی زمینه ای و روشهای آن عمدتاً رسیدن به یک نظریه است، در اینجا رسیدن به روایتی از فضای ایوان از نظر دانشجویان در هر یک از دو مرحله ی ابتدایی و نهایی تمرین، به عنوان نتیجه کافی است.

در بخش اول اشتراکات تصاویر و کلماتی که دانشجویان درباره ی ایوان ارائه کرده اند، توسط مدرس به صورت کدهای باز و محوری استخراج شده است. به علاوه در همین مرحله از دانشجویان پرسیده شده که با حذف چه ویژگی (هایی) از این فضا، ایوان بودن تضعیف می شود. پاسخ این پرسش به کدگذاری گزینشی داده های اولیه توسط مدرس و در نتیجه دستیابی به روایت اولیه ی دانشجویان از ایوان کمک کرده است. در بخش دوم، دانشجویان ضمن استفاده از روشهای نظریه ی زمینه ای در جمع آوری داده ها، با کمک مدرس کدگذاری باز و محوری را نیز انجام داده اند. کدگذاری گزینشی در اینجا هم توسط مدرس و از خلال باید و نبایدهایی که دانشجویان در پایان تمرین درباره ی ایوان ذکر کرده اند به دست آمده است. به کمک این کدها، در نهایت روایت دوم شکل بسته در ذهن دانشجویان از ایوان، بعد از انجام تمرین، استخراج شده است. روایت اول و دوم در ادامه با یکدیگر قیاس شده اند.

فرضیه ی پژوهش

«راهکارهای مطرح شده در نظریه ی زمینه ای می تواند در حیطه ی آموزش معماری و در مرحله ی شناخت موضوع کارآمد باشد و فهم دانشجویان را ارتقاء بخشد»

روش پژوهش



تصویر ۱؛ دیاگرام فرآیند پژوهش، نگارنده، ۱۳۹۸

پیشینه ی پژوهش

لاوسون، از جمله مهمترین پژوهشگرانی است که اهمیت شناخت مسأله را در فرآیند طراحی روشن نموده و آن را به قدر دستیابی به راه حل مهم دانسته است.^{۲۳} به زعم او شناخت درست، شناخت جامع و به دور از پیش داوری است. این گونه شناخت که نیازمند دیدن مسأله از زوایای گوناگون است، شباهت های زیادی با مفهوم خلاقیت دارد.^{۲۴}

بر این مبنا در پژوهش حاضر که هدفش آزمودن روشی در جهت ارتقاء فهم دانشجویان از موضوع طراحی است، دو دسته منبع قابل ارجاع است. اول؛ منابعی که به طور عام به طرح راهکارهای تقویت خلاقیت می پردازند و دوم؛ منابعی که به طور خاص راهکارهایی را در جهت شناخت بهتر موضوع طراحی ارائه می دهند.

از میان راهبردهایی که آنتونیادس در جهت افزایش خلاقیت ارائه کرده، بهره گیری از «استعاره»، «پارادوکس»، «ابهام ازلی»، رجوع به «شعر و ادبیات» و «چند فرهنگی» به شناخت خلاقانه هم کمک می کنند؛ استفاده از استعاره به این معناست که در جهت روشن شدن یک موضوع، آن را چنان بنگریم که انگار موضوع دیگری است. به این ترتیب با معطوف کردن تمرکز از عرصه ای به عرصه ی دیگر، فرد با مجموعه ی تازه از پرسش ها مواجه شده و به تعبیر جدیدی نائل می گردد.^{۲۵} مال گریو هم استعاره را منبع عمده ی خلاقیت در دوران بزرگسالی می

^{۲۳} - براین لاوسون، طراحان چگونه می اندیشند

^{۲۴} - هر چند در تعاریف خلاقیت بر ارائه ی «راه حل های» جدید تأکید می شود (بتی ادواردز، طراحی با سمت راست مغز، ص ۳۴) اما از آنجا که هر تغییر جهتی در اندیشه، خلاقیت است به گونه ای نو دیدن مسأله و کشف داده های جدید هم خلاقیت محسوب می شود. (براین لاوسون، طراحان چگونه می اندیشند، ص ۱۷۷) از طرفی شناخت خلاقانه، زمینه را برای ارائه ی راه حل های بدیع ایجاد می کند.

^{۲۵} - آنتونی سی آنتونیادس، «بوطیقای معماری؛ آفرینش در معماری»، صص ۶۴ و ۶۳

داند.^{۲۶} بهره گیری از پارادوکس به معنای دیدن موضوع به شکلی خارج از عرف است. در این شیوه، مفهوم مورد نظر با مفهوم متضادش در تقابل گذاشته شده و یا گاه جمع می شوند تا زمینه برای ورود به عرصه ی «ناممکن» ها فراهم شود.^{۲۷} منظور از «ابهام ازلی»، لایه های ناخودآگاه و عمیق فردی و جمعی ای است که در طول زمان با پدیده های گوناگون همراه شده و تا حدی به آنها شکل داده است.^{۲۸} چنانچه فرد بتواند تا حدی لایه های ظاهری موضوعات را کنار زده و به این ریشه ها نزدیک شود، وجوه جدیدی از موضوعات را کشف خواهد نمود. شعر و ادبیات، از سویی «انگاره ها و دریافت های همگانی از یک موضوع را در خود نگهداری می کنند»^{۲۹} و از سوی دیگر به دلیل ارتباطی که با قوه ی خیال در انسان دارند، معانی باورپذیر و نه لزوماً واقعی را برای واژه ها و موقعیت ها به همراه می آورند.^{۳۰} در نهایت، «جستجوی یک موضوع در مجموعه ی ناشناخته ی فرهنگی دیگر مانند اکتشافی شخصی است که هرگز فراموش نمی شود».^{۳۱}

مسعود و دیگران استفاده از تمثیل یا «مقایسه کردن» را در روند طراحی و ایجاد طرح مایه ی اولیه مهم دانسته اند.^{۳۲} هر چهار گونه تمثیل که عبارتند از «تمثیل مستقیم، خودپنداری، نمادین و فانتزی»^{۳۳} می تواند علاوه بر تولید راه حل و به موازات آن در شناخت مسأله ی طراحی نیز به کار گرفته شود.^{۳۴}

دانشگر مقدم سه راه تقویت فهم دانشجویان از مسأله ی طراحی را عبارت از؛ ۱- پرسش و پاسخ درباره ی مسأله در جهت ایجاد طوفان ذهنی در دانشجو، ۲- مطالعه و نقد نمونه های مشابه با مسأله و ۳- برگزاری جسات اسکیس همزمان با طرح مسأله می داند.^{۳۵} با تعمق در راهکارهای ذکر شده مشخص می گردد وجه مشترک همه ی آنها استفاده از روش «مقایسه کردن» است. در کنار این، روشهای «پرسیدن» و «تعمق کردن در واژگان» در بعضی از این راهکارها دیده می شود.

روشهای مطرح شده در نظریه ی زمینه ای در جهت فهم موضوع پژوهش، بر سه محور استوارند؛ «پرسیدن سوال»، «تحلیل کلمه، عبارت یا جمله» و «مقایسه کردن».^{۳۶} این روشها با روشهای ذکر شده در منابع مورد بررسی شباهت هایی دارد اما جامع تر از آنهاست و توضیحات کاربردی تر و مفصل تری درباره ی چگونگی به کار بردن این روشها در منابع مربوط به این حوزه ذکر شده است. با این وجود تا کنون از این روشها در حوزه ی طراحی و آموزش معماری استفاده نشده است. به همین دلیل پژوهش حاضر سعی دارد کاربرد این روشها را در آموزش معماری به محک بگذارد.

۱- ضرورت فهم وجوه موضوع طراحی در آموزش معماری

بعضی معانی «وجه»^{۳۷} عبارتند از؛ «کیفیت، چگونگی، ذات و حقیقت، وجود، شخص».^{۳۸} ریشه ی انگلیسی این واژه^{۳۹}، معنای «طبیعت و کیفیت»^{۴۰}، «هویت، فردیت، حالت و ویژگی»^{۴۱} می دهد. به علاوه این واژه به شکل تحت الفظی به معنای «شخصیت ویژه»^{۴۲} است.^{۴۳} در این صورت «وجه»، ویژگی یا صفت مشخص کننده و متمایز کننده ی هر پدیده است که از سویی به طبیعت، ذات و حقیقت پدیده مربوط می گردد و از سویی دیگر به فردیت آن؛ وجوه اصلی، با ایجاد امکان قرار دادن هر پدیده تحت یک نوع یا اسم، یک پدیده را از بسیاری پدیده های

^{۲۶} - هری فرانسیس مال گریو، مغز معمار؛ علوم اعصاب، خلاقیت و معماری، ص ۲۳۸

^{۲۷} - آنتونی سی آنتونیداس، «بوطیقای معماری؛ آفرینش در معماری». صص ۹۴ و ۹۵

^{۲۸} - همان، صص ۱۴۹-۱۵۱

^{۲۹} - همان، ص ۱۸۳

^{۳۰} - همان، ص ۱۷۴

^{۳۱} - همان، ص ۲۰۶

^{۳۲} - محمد مسعود و دیگران، نقش تمثیل در روند طراحی معماری، صص ۳۷ و ۳۸

^{۳۳} - پل لازیو، تفکر ترسیمی برای طراحان و معماران، ص ۱۵۴

^{۳۴} - محمد مسعود و دیگران، نقش تمثیل در روند طراحی معماری، صص ۳۹ و ۴۰

^{۳۵} - گلرخ دانشگر مقدم، فهم مسأله ی طراحی در آموزش معماری؛ بررسی مؤلفه های مؤثر بر فهم کافی از مسأله ی طراحی به عنوان آغازگاهی برای طراحان مبتدی، صص ۶۸ و ۶۷

³⁶- Corbin.J and Strauss .A. Basics of Qualitative Research. P 76

³⁷- Property

³⁸- <https://www.vajehyab.com>

⁴⁰- nature, quality

⁴¹- individuality, peculiarity,

⁴²- special character

⁴³- <https://www.etymonline.com>

دیگر متمایز می کنند اما برای مشخص شدن یک پدیده نیاز به وجوه خاص و منحصر به فرد در پدیده نیز هست.^{۴۴} بنا بر این طیفی سلسله مراتبی از وجوه اصلی (کلی) تا خاص برای هر پدیده وجود دارد که سبب مشخص شدن آن می شوند. از آنجا که وجوه کلی، علت های اصلی ایجاد پدیده و منشأ آثار مخصوص آن هستند،^{۴۵} ثابتند. این وجوه، اساس شناخت را تشکیل می دهند در حالی که وجوه خاص، متغیر و وابسته به زمان و مکان اند. هر چند مرز وجوه کلی و خاص قطعی نیست، اما تشخیص کلی وجوه ثابت تر از وجوه متغیر در روند شناخت یک پدیده بسیار حائز اهمیت است.

مسائل طراحی غالباً مرزهای قطعی ندارند^{۴۶} و حل آنها بیش از هر چیز وابسته به فهم مسأله از سوی طراح است.^{۴۷} بنابر این طراح ناگزیر است در مراحل اولیه ی طراحی^{۴۸}، با انتخاب جنبه هایی از مسأله که از نظر او مهم می نماید، در ضمن تعریف مسأله به فهمی از آن نائل شود.^{۴۹} این فهم اولیه که از شناخت وجوه مسأله ناشی می شود، نقش کلیدی ای در ادامه ی فرآیند طراحی دارد.^{۵۰}

وجوه مسائل معماری، از سویی به زمین طرح و جنبه های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اقلیمی آن مربوط می شود و از سویی دیگر به «قوانین»، «نیازها» و «خواست ها»^{۵۱} دسته ی اول را به طور کلی «بستر» و دسته ی دوم را «موضوع» طرح می نامند.^{۵۲} وجوه مسأله، در یک سطح قرار نداشته و بعضی از آنها که با مقاصد اولیه ی شکل گیری طرح در ارتباطند، به مثابه وجوه اصلی یا علت های ایجاد فضا (طرح)، ثابت تر و اصیل ترند. تا آنجا که لاوسون آنها را «محدودیت های بنیادین» می نامد.^{۵۳} در صورت توجه به واژه ی «عملکرد» در معنای واقعی اش که با ماهیت، غایت و طبیعت چیزها در ارتباط است^{۵۴}، می توان این وجه اصلی مسأله را عملکرد یا نام فضا دانست که از میان دو رکن مسأله، به «موضوع» مربوط می شود. وجوه اصلی موضوع، تنها در متعالی ترین شکل معماری مورد توجه قرار گرفته و پاسخ داده می شود.^{۵۵} بنا بر این در هر مسأله ی طراحی، کشف وجوه اصلی موضوع اهمیت بسیار دارد و می تواند طراح را در رسیدن به راه حل هایی که چیزی فراتر از پاسخ به نیازهای روزمره است، یاری رساند. این توانایی می تواند در روند آموزش طراحی تقویت گردد.

۲- راهکارهای تقویت فهم وجوه موضوع بر اساس نظریه ی زمینه ای

پژوهشگران نظریه ی زمینه ای، ابزارهایی را برای افزایش خلاقیت در جمع آوری و تفسیر داده ها معرفی کرده اند.^{۵۶} در اینجا توضیحاتی درباره ی این راهکارها و کاربردهای احتمالی آن در فهم فضای «یوان» که نمونه ی موردی پژوهش حاضر است، به عنوان مثال ذکر خواهد شد.

۱-۲- پرسیدن سوالات استفهامی

در میان پرسش های گوناگونی که می تواند به واگرا شدن ذهن کمک کند، سوالات استفهامی کارگشایتر دانسته شده اند. سوالاتی همچون «چه کسی، چه زمانی، کجا، چه چیزی، چگونه، چقدر و چرا»^{۵۷، ۵۸} این سوالات پایه ای، می توانند با سوالات دیگر نظیر «چند وقت

^{۴۴} - این دو شرط تحت عنوان «این همانی» و «تشخص» شروط لازم برای احراز هویت هر چیز هستند. (مرورید قاسمی اصفهانی، اهل کجا هستیم؛ هویت بخشی به بافت های مسکونی)

^{۴۵} - قوام صفری، مهدی، نظریه ی صورت در فلسفه ی ارسطو.

^{۴۶} - برایان لاوسون، طراحان چگونه می اندیشند

^{۴۷} - فرهاد شریعت راد، حمید ندیمی، قاب بندی مسأله؛ راه طراحانه ی رویارویی با مسأله ی طراحی، ص ۷

^{۴۸} - در مرحله ی «تدارک» که از مراحل پنج گانه ی هر فرآیند خلاقانه است. (گلرخ دانشگر مقدم، فهم مسأله ی طراحی در آموزش معماری؛ بررسی مؤلفه های مؤثر بر فهم کافی از مسأله ی طراحی به عنوان آغازگاهی برای طراحان مبتدی، ص ۶۲)

^{۴۹} - فرهاد شریعت راد، حمید ندیمی، منابع ایده پردازی معماری؛ جستاری در ایده پردازی چند معمار از جامعه ی حرفه ای کشور، صص ۱۴-۵

^{۵۰} - طراحان از نظر اهمیتی که به این مرحله می دهند یکسان نیستند اما ثابت شده، فرآیند طراحی «مسأله محور» که در آن طراح بیشتر به تدقیق تعریف مسأله می پردازد، در مقایسه با فرآیند «پاسخ محور» که در آن طراح به حداقل اطلاعات بسنده کرده و کار اصلی خود را بر آزمون و تغییر راه حل متمرکز می کند، به پاسخ های خلاقانه تری می رسند. (C. Kruger, & N. Cross, Solution driven versus problem driven design: strategies and outcomes) همچنین «فرآیند

طراحی مسأله محور در میان طراحان خبره، رایج تر است» (فرهاد شریعت راد، حمید ندیمی، قاب بندی مسأله؛ راه طراحانه ی رویارویی با مسأله ی طراحی، ص ۱۶)

^{۵۱} - فرهاد شریعت راد، حمید ندیمی، منابع ایده پردازی معماری؛ جستاری در ایده پردازی چند معمار از جامعه ی حرفه ای کشور، ص ۹

^{۵۲} - در کنار عوامل معطوف به مسأله، عوامل معطوف به طراح هم بر راه حل های طراحی تأثیر گذارند. با توجه به این که پژوهش حاضر بر عوامل عینی متمرکز است عوامل معطوف به طراح در این پژوهش بررسی نمی گردند.

^{۵۳} - برایان لاوسون، طراحان چگونه می اندیشند، ص ۱۲۱

54- function: an activity that is natural to or the purpose of a thing (www.oxforddictionaries.com)

^{۵۵} - افرا غریب پور، مفهوم عملکرد در اندیشه ی لویی کان، ص ۳۷

^{۵۶} - انسلم استراوس، جولیت کربین، مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه ی زمینه ای، ص ۳۴

یکبار، چه مدت، با چه سرعتی و غیره»^{۵۹} ۶۰ تکمیل شوند. پرسیدن این سوالات در جهت فهم یک موضوع به عنوان مثال ایوان، می تواند به این صورت باشد که؛ چه کسانی (اعم از زن، مرد، کودک، جوان، سالمند و غیره)، در چه زمان هایی (در طول شبانه روز و یا در طول فصول مختلف سال)، از چه بخش هایی از ایوان استفاده می کنند؟ آنها چه فعالیت هایی را در ایوان انجام می دهند و به چه دلیل این فضا را برای فعالیت انتخاب کرده اند؟ افراد چگونه از فضای ایوان استفاده می کنند؟ پرسش هایی از این دست، ذهن را به سوی جریان زندگی در این فضا می گشاید و از فهم صرفا کالبدی این فضا جلوگیری می کند.

۲-۲- تعمق در واژگان و عبارات

معانی بسیاری در هر پس هر واژه و عبارت نهفته است؛ «زمانی که شخص با واژه ای مواجه می شود معمولا معنایی به آن نسبت می دهد که این معنا از کاربرد متداول آن واژه و تجارب فرد اش می آید. ما معمولا باور داریم که این معنای قطعی واژه است در حالی که لزوما چنین نیست»^{۶۱} چنانچه فرد تنها به معنای نزد خود از یک واژه اکتفا کند، چه بسا بسیاری از معانی ممکن دیگر از دید او مغفول بماند. به همین دلیل یکی از راههای گشودن زوایای تازه ای از معانی ممکن برای هر موضوع، رجوع به معنای آن نزد دیگران است.^{۶۲} این امر می تواند از طریق گفتگو با افراد دیگر (گفتار) یا از طریق رجوع به واژه در بستر نوشتار صورت گیرد.

در گفتگو با افراد می توان از آنها خواست تداعی هایی را که یک موضوع برای آنها دارد بیان کنند و یا واژگانی را که در زبان و یا گویش آنها به این موضوع اطلاق می شود را بازگو نمایند. در حوزه ی نوشتار، رجوع به شعر، متون ادبی، لغت نامه ها و همچنین ریشه شناسی واژه کارآمد است.

۲-۳- مقایسه کردن

مقایسه کردن، روش موثر دیگری در شناخت مفاهیم است. این روش شامل چند روش فرعی می شود. از جمله؛ ۱- «تکنیک وارونه سازی»^{۶۳} یا حرکت رفت و برگشتی میان دو مفهوم کاملا متضاد ۲- مقایسه با موضوع دور و نزدیک^{۶۴} و ۳- «ساز مخالف زدن»^{۶۵} ۶۶ ۶۷ در وارونه سازی، ایده ی غالب درباره ی موضوع کنار گذاشته شده و به مفهوم یا مقدار دقیقا متضاد با آن توجه می شود.^{۶۸} به عنوان مثال در بررسی وجه «محسوریت» که یکی از وجوه فضای «ایوان» است، می توان دو جدا شدیدا محصور و عدم محسوریت را در نظر گرفت و این سوالات را بپرسید؛ از کجا به بعد کم شدن یا زیاد شدن محسوریت، ماهیت این فضا را تغییر داده و به چیز دیگری بدل می کند؟ آیا ایوان می تواند از همه طرف باز باشد و همچنان ایوان بماند؟ آیا چنانچه همه ی اطراف و سقف ایوان محصور شود باز هم آن فضا را ایوان می نامیم؟ پاسخ به این سوالات می تواند حدود نسبی محسوریتی را که ایوان را ایوان می کند روشن سازد و میزان اهمیت این وجه را در ایوان شدن یک فضا نشان دهد.

مقایسه ی موضوع با موضوعی دور، در کنار قیاس موضوع با موضوعی نزدیک، یکی دیگر از انواع مقایسه است. به عنوان مثال «ایوان» به لحاظ ارتباطی که با طبیعت دارد، می تواند شباهت هایی با «حیات» داشته باشد. می توان از همین وجه ایوان را با حیات (موضوع نزدیک) مقایسه کرد. در این صورت ممکن است تأکید بر ارتباط با آسمان (جهت بالا) در حیات، تأکید بر ارتباط با طبیعت در جهت افقی در ایوان را روشن سازد. همچنین ایوان را می توان با یک درخت (موضوع دور) مقایسه کرد. از این طریق ممکن است «گنجایش داشتن» و «محیط بودن»، به عنوان وجوهی از ایوان مشخص گردد.

ساز مخالف زدن هم گونه ای از قیاس است؛ در این روش، با کنار گذاشتن کلمات و عباراتی نظیر «هرگز، همیشه، هیچ گاه و غیره» حتی برای لحظاتی و زیر سوال بردن آنچه درباره ی موضوع به شکل قطعی فرض کرده ایم وجوه تازه ای از مسأله آشکار می شود^{۶۹} به عنوان مثال

57 - Who, When, Where, What, How, How much, Why

58- Corbin.J and Strauss .A. Basics of Qualitative Research. P 77

59 - How often, How long, How quickly or slowly

60- ibid: 80

61- ibid: 81

62-ibid

63- Flip-Flop Technique

64- Far- out Comparisions and Close- up

65- Waving the Red Flag

^{۶۱}- «ساز مخالف زدن»، معادلی است که جناب آقای دکتر محمود رازجویان برای این اصطلاح قرار داده اند.

67- ibid

68- ibid: 84

69 - . ibid:92

ممکن است یکی از قطعیات درباره ی ایوان «مسقف بودن» آن باشد. با زیر سوال بردن این پیش فرض و جستجو برای یافتن نمونه ای از ایوان های بدون سقف، فهم از ایوان توسعه یافته و میزان اهمیت این وجه در تعریف این فضا مشخص می گردد.

۳- بررسی تمرین «فهم فضای ایوان»

در جهت محک زدن فرضیه ی پژوهش، تمرینی بر مبنای استفاده از روشهای نظریه ی زمینه ای برای دانشجویان سال اول در درس درک و بیان محیط، طراحی و انجام گردید.^{۷۰} این تمرین بر محور «فهم فضای ایوان» به عنوان نمونه ای از یک موضوع طراحی، شکل گرفته و شامل مراحل است و این امکان را به پژوهشگر می دهد که تصورات اولیه ی دانشجویان از این موضوع خاص را پیش از به کار بردن روشهای مطرح شده در نظریه ی زمینه ای و بعد از آن با یکدیگر قیاس کند. در نتیجه تاثیر به کارگیری این روشها در آموزش معماری تا حدی روشن گردد.

از میان موضوعات گوناگون، «ایوان» برای انجام تمرین انتخاب شد. زیرا؛

اول؛ ایوان در انواع کاربری های معماری ایرانی و اقلیم های گوناگون آن قابل مشاهده است تا آنجا که مبنای نوعی از گونه شناسی برای مساجد ایرانی شده است.^{۷۱} این امر اهمیت فضای ایوان در این معماری را نشان می دهد.

دوم؛ ایوان به شکل های گوناگون در معماری ایرانی حضور دارد. یعنی این فضا با حفظ وجوه ثابتش، از تنوعی در شکل برخوردار است. این مساله امکان شناخت وجوه کلی و خاص این فضا را بیشتر فراهم می کند.

سوم؛ ایوان با وجود کیفیت های خاصش، حضوری بسیار کم رنگ در معماری امروز ایران دارد. در این صورت یکی از فایده مندی های طرح این موضوع در کنار هدف اصلی آن، می تواند ایجاد زمینه برای بازگرداندن این کیفیت ها به بناها بوده و یا حداقل توجهی به این کیفیت ها در دانشجویان ایجاد کند.

چهارم؛ فضای ایوان در عین نزدیکی به ذهن دانشجویان از آن دور است. اکثر دانشجویان بودن در فضای ایوان را به نوعی تجربه کرده اند اما کمتر کسی هست که تجربه ی هر روزه ای از بودن در ایوان داشته باشد و در حال حاضر در خانه ی ایوان دار زندگی کند. این فهم کلی و در عین حال دور بودن از موضوع ممکن است به فهم دقیق تر و بدون پیش داوری کمک کند.

۳-۱- صورت تمرین، مراحل و روش انجام آن

تمرین شامل دو بخش اصلی است. هدف بخش اول بیرونی کردن تصور اولیه ی دانشجویان از فضای ایوان و وجوه اصلی آن بود. هدف بخش دوم، عبارت بود از استخراج وجوه ایوان توسط دانشجویان، از طریق به کارگیری روشهای مطرح شده در نظریه ی زمینه ای برای جمع آوری داده ها و همچنین کدگذاری آنها. در این بخش سوالی که باید در طول مراحل تمرین توسط دانشجویان پاسخ داده می شد این بود که «چه ویژگی (هایی) ایوان را ایوان می کند؟» روشهای مذکور تا پایان تمرین با دانشجویان در میان گذاشته نشد و صرفاً توسط مدرس مبنای هدایت دانشجویان در کلاس بود. بخش اول تمرین به شکل انفرادی و بخش دوم به غیر از آخرین مرحله ی آن به صورت گروهی انجام گردید. مرحله ی اول، دوم و سوم مربوط به بخش اول تمرین و دیگر مراحل مربوط به بخش دوم تمرین است. (جدول ۱)

^{۷۰} - برای دانشجویان سال اول معماری دانشگاه رازی کرمانشاه

^{۷۱} - بنا به سرفصل مصوب، یکی از مهمترین اهداف این درس تقویت فهم دانشجویان است و لازم نیست آنها در این کلاس به نتایج طراحی برسند. (سرفصل مصوب شورای عالی برنامه ریزی، ۱۳۷۷: ۱۹) با این حال از آنجا که در انجام هر طراحی نیاز به فهم موضوع هست، این تمرین یا تمرینات مشابه می تواند در کارگاههای طراحی هم انجام شود.

^{۷۲} - مثلاً مساجد دو ایوانی و مساجد چهار ایوانی

تمرین فهم فضای ایوان	مراحل تمرین	روش انجام تمرین	هدف هر مرحله از تمرین
بخش اول تمرین (دستیابی به فهم اولیه دانشجویان از ایوان)	مرحله اول	پس از ارائه ی توضیحات کلی درباره ی تمرین و ضرورت انجام آن، از دانشجویان خواسته شد تا پایان جلسه، تصویر فضایی را که با شنیدن کلمه ی «ایوان دلنشین» ^{۷۳} به ذهن شان متبادر می شود در یک کاغذ ۳۱ ترسیم کنند. این تصویر می توانست برگرفته از تجربه ی یک فضای واقعی یا کاملاً محصول تخیل دانشجویان و یا ترکیبی از هر دو باشد. شیوه و مهارت ترسیم آنها در نتایج و ارزیابی نهایی تأثیری نداشت.	استخراج «تصویر ذهنی» دانشجویان از فضای ایوان
	مرحله دوم	پس از اتمام ترسیم ها، از دانشجویان خواسته شد در قالب چند کلمه یا عبارت بنویسند که به نظرشان چه ویژگی ای آن فضای تصویر شده را «ایوان» می کند.	استخراج «تصور ذهنی» دانشجویان از فضای ایوان
	مرحله سوم	سپس از دانشجویان خواسته شد یک ویژگی را برای ایوانی که تصویر کرده اند، ذکر کنند که بدون وجود آن ایوان دیگر ایوان نیست و به چیز دیگری تبدیل می شود.	استخراج اصلی ترین وجه ایوان از نظر دانشجویان
بخش دوم تمرین (دستیابی به فهم دانشجویان از ایوان بعد از کاربرد روشهای نظریه زمینه ای)	مرحله چهارم	دانشجویان به پنج گروه تقسیم شدند. اعضاء هر گروه موظف بودند تا جلسه ی بعد درباره ی یکی از پنج عنوانی که از آنها خواسته شده، داده جمع آوری کنند. در جلسه ی بعد آن داده ها را با اعضا گروهشان در میان گذاشته، درباره اش بحث و گفتگو کنند. هر یک از این پنج عنوان، به یکی از سه راهکار ارائه شده در نظریه ی زمینه ای برای فهم وجوه موضوع ارتباط دارد.	جمع آوری داده های دست اول درباره ی ایوان توسط دانشجویان از طریق کاربرد روشهای نظریه زمینه ای
	مرحله پنجم	استخراج نتایج از داده ها، پس از بحث و گفتگوهای درون گروهی با حضور مدرس. ^{۷۴} این نتایج در قالب «مصدرهایی» که صفتی از ایوان را آشکار می کرده ^{۷۵} و یا عبارت های کوتاه، توسط دانشجویان کدبندی می شدند.	کدگذاری باز و محوری داده ها، توسط دانشجویان، به کمک مدرس
	مرحله ششم	از هر دانشجو خواسته شد بدون مشورت با دیگران سه باید/نبایدهای ایوان را به ترتیب اولویت در یک کاغذ بنویسد؛ ویژگی هایی که اگر از ایوان گرفته شود، دیگر ایوان نخواهد بود یا ایوان بودنش به شدت تضعیف می شود. (متناظر با روش ساز مخالف زدن در نظریه زمینه ای)	کدگذاری گزینشی توسط دانشجویان، به کمک مدرس (استخراج وجوه اصلی ایوان)
	مرحله هفتم	در میان گذاشتن نتایج با دیگر گروهها و بحث و تبادل نظر در کلاس در جهت تصحیح و تکمیل نتایج.	

جدول ۱؛ تمرین فهم فضای ایوان، مراحل، روش و اهداف آن. نگارنده؛ ۱۳۹۸

از آنجا که مرحله ی چهارم تمرین که به جمع آوری داده درباره ی موضوع (ایوان) اختصاص داشت از اهمیت زیادی برخوردار است و سه راهکار نظریه ی زمینه ای در آن مورد استفاده قرار گرفته، لازم است در این بخش بیشتر توضیح داده شود؛ در این مرحله دانشجویان به پنج گروه تقسیم شدند و هر گروه متولی جمع آوری داده از طریق یکی از روشهای زیر شد. هر یک از روش ها با یکی از سه روش مطرح شده در نظریه ی زمینه ای برای فهم موضوع تناظر دارد.

الف؛ پیدا کردن واژه ی «ایوان» و مترادف های آن در اشعار ایرانی و گویش های محلی و استخراج صفت هایی که به این فضا نسبت داده شده است. (متناظر با روش تعمق در واژگان و عبارات)

ب؛ گفتگو با افراد غیر حرفه ای^{۷۶} درباره ی ایوان و همچنین رجوع به تصاویر موجود از فضای ایوان که در آن افراد حضور دارند در جهت جواب به این سوالات که «چه کسانی»، «چه زمانی»، «چگونه» و «چرا»، «چه استفاده ای» از ایوان می کنند. اعضاء این گروه باید اجازه می دادند افراد آزادانه صحبت کنند و از خلال صحبت ها ویژگی هایی از ایوان را که آشکار می شد یادداشت می کردند. (متناظر با روش پرسیدن سوالات استفهامی)

ج؛ پیدا کردن تصاویری از فضاهای مشابه با ایوان مثل بالکن یا تراس^{۷۷}، حیاط و غیره. مقایسه ی ایوان با این فضاها. (متناظر با روش مقایسه کردن با موضوع نزدیک)

^{۷۳} - علت انتخاب این صفت برای ایوان آن بود که بهترین تصورشان از این فضا را بیرونی کنند.

^{۷۴} - مدرس در این بحث ها بیشتر شنونده بود و اجازه می داد خود دانشجویان به نتایج برسند.

^{۷۵} - استفاده از شکل مصدری در بیان صفات آنها را از قید زمان و مکان رها می نماید.

^{۷۶} - افرادی که در حوزه ی طراحی و ساخت و ساز فعالیت ندارند.

^{۷۷} - منظور از بالکن و تراس، شکل امروزی فضای نیمه باز است.

د؛ پیدا کردن تصاویری از ایوان خانه های روستایی و عمارت های با شکوه و مقایسه کردن این ایوان ها با هم.^{۷۸} (متناظر با روش مقایسه کردن)

ه؛ پیدا کردن تصاویری از ایوان در بناهای غیر مدرن در چهار اقلیم ایران و مقایسه ی آنها با هم؛ یعنی در اقلیم معتدل و مرطوب شمال، گرم و مرطوب جنوب، گرم و خشک مرکز و معتدل و کوهستانی غرب ایران.^{۷۹} (متناظر با روش مقایسه کردن)
در جهت دوری از شناخت همراه با قضاوت پیشین و اجتناب از پذیرش بی چون و چرای گفته های دیگران، فقط گروه اول اجازه ی رجوع به منابع نوشتاری، آن هم صرفا منابع غیر تخصصی را داشتند و دیگر گروهها تنها می توانستند به منابع تصویری موجود در منابع مکتوب یا فضای مجازی مراجعه کنند. همچنین کدها باید در یک روند پرسش محور و بحث و تبادل نظر گروهی از داده ها بیرون کشیده می شد.



تصویر ۳؛ یکی از تصاویر مورد استناد گروه ب. (بخش دوم تمرین)، منبع؛ <https://www.mizanonline.com>

تصویر ۲؛ نمونه ای از ایوان تصویر شده در مراحل اولیه تمرین، ترسیم کننده؛ هانیه نیازی، ۱۳۹۷



به ترتیب از راست به چپ

تصویر ۴؛ یکی از تصاویر مورد استناد گروه ج برای نشان دادن «ارتباط افقی ایوان با بیرون» منبع؛ <https://www.persistour.com>
تصویر ۵؛ یکی از تصاویر مورد استناد گروه د برای نشان دادن «سادگی ایوان روستایی»، منبع؛ <https://pinorest.com>
تصویر ۶؛ یکی از تصاویر مورد استناد گروه ه برای نشان دادن تنوع شکلی ایوان در اقلیم های گوناگون منبع؛ <https://en.tripyar.com>

۳-۲- نتایج استخراج شده از بخش اول و دوم تمرین

پس از انجام بخش اول تمرین، ویژگی های ایوان از نظر دانشجویان، توسط نگارنده از درون داده های تصویری و کلامی، به شکل کدهای باز و سپس کدهای محوری استخراج گردید. البته فقط وجوهی کد شدند که هم در کلمات و هم در تصویری که هر دانشجو ارائه داده وجود داشتند. کدها به ترتیب فراوانی آنها آورده شده است. (جدول ۲) در مرحله ی سوم این بخش از تمرین، اکثریت دانشجویان وجود سقف را مهمترین عامل ایوان شدن یک فضا یا به عبارتی مهمترین وجه ایوان دانسته اند. با تعمق در این موضوع مشخص گردید سقف به عنوان جزئی مهم در حفاظت از افراد در برابر شرایط جوی نامساعد بیشترین توجه دانشجویان را به خود جلب کرده است و دیگر وجوه سقف مثلا تاثیر آن در تناسب یا معنای فضا مورد نظر آنان نیست. به همین دلیل آسایش بخش بودن ایوان به عنوان کد گزینشی برای دستیابی به تصور اولیه دانشجویان از ایوان لحاظ شده است.

^{۷۸}- در جهت فهم ویژگی های متأثر از مناسبات اجتماعی، اقتصادی و غیره ایوان در کنار وجوه ثابت آن
^{۷۹}- در جهت فهم ویژگی های متأثر از مناسبات اقلیمی و مکانی ایوان در کنار وجوه ثابت آن

نتایج حاصل از بخش اول تمرین	کدهای باز استخراج شده از تصاویر و کلمات دانشجویان (به ترتیب فراوانی)	کدهای محوری استخراج شده از تصاویر و کلمات دانشجویان (به ترتیب فراوانی)	کدهای گزینشی استخراج شده از تصاویر و کلمات دانشجویان (شکل دهنده به داستان اولیه ی ایوان)
	۱- محلی برای نشستن ۲- به اندازه ی دوره‌می اعضاء یک خانواده بودن ۳- عریض بودن ۴- گلدان و فضای سبز داشتن ۵- رو به یک فضای مطلوب (مثلا حیاط) بودن ۶- سقف داشتن ۷- سایه گیر/ آفتاب گیر بودن ۸- مرتفع بودن ۹- تسلط داشتن به محیط بیرون ۱۰- رو به منظره ی طبیعی بودن ۱۱- متفاوت بودن از درون و بیرون اش ۱۲- ارتباط با درون داشتن ۱۳- در نداشتن ۱۴- ارتباط با بیرون داشتن ۱۵- قوس، ستون و جانپناه داشتن، گلدان، میز و صندلی و فرش داشتن ۱۶- محوریت و مرکزیت داشتن	۱- فعالیت ها ۲- هندسه، اندازه، تناسبات ۳- اجزاء و مبلمان ۴- ارتباط با طبیعت ۵- دید و منظر ۶- جهت گیری ۷- ارتباط با عوامل اقلیمی و جوی ۸- موقعیت، ارتباط با فضاهای پیرامونی	-اجزاء (سقف) -محافظت کننده بودن ایوان از افراد در برابر شرایط جوی نامساعد

جدول ۲؛ کدهای باز، محوری و گزینشی استخراج شده از بخش اول تمرین. منبع؛ نگارنده، ۱۳۹۸

به کمک این کدها، داستان ایوان در تصور اولیه ی دانشجویان آشکار گردید. در این تصور، ایوان عبارتست از «فضایی که به واسطه ی اجزائی که دارد (به خصوص سقف)، آسایش افراد را در برابر شرایط جوی نامساعد فراهم می آورد.» در این تصویر دیگر صفات ایوان فرعی تر دانسته شده است. در ضمن نیمه باز بودن ایوان مورد تاکید و اشاره نیست و شاید به عنوان امری بدیهی در مورد این فضا پذیرفته شده است.

در خلال انجام بخش دوم تمرین هم در هر مرحله نتایجی به دست آمد. این نتایج در قالب کدهای باز، کدهای محوری و کدهای گزینشی توسط دانشجویان و به کمک مدرس استخراج گردید. (جدول ۳)

به کمک کدهای استخراج شده داستان ایوان از نظر دانشجویان بعد از به کار بردن روشهای نظریه ی زمینه ای عبارت بود از ؛ «ایوان به مثابه فضای نیمه بسته ای که حداقل یکی از وجوهش در محور افقی به سوی منظره ی مطلوب گشوده شده و بر آن اشراف دارد»

داده های اولیه ی به دست آمده به کمک روشهای نظریه زمینه ای (مرحله ی چهارم تمرین) ^{۸۰}	داده های جمع آوری شده در بخش دوم تمرین
<p>جستجو در اشعار؛</p> <p>«چو ایوان که باشد پناه از گزند»^{۸۱} (فردوسی)</p> <p>«فرستد از لب ایوان به آفتاب درود» (مشیری)</p> <p>«پیشانیست ایوان صحراها و دریاها» و «دیروزها از آن ستیغ سربلندت همچنان پیدا» (مشیری)</p> <p>«خالق خلق و نگارنده ی ایوان رفیعی» (سعدی)</p> <p>آستانه داشتن «چو مهمرد از در ایوان در آمد» (عطار)</p> <p>«فلان شش طاق دیبا را برون بر/ بز با طاق این ایوان برابر» (نظامی)</p> <p>«نشست اندر ایوان زمانی دراز» (فردوسی)</p> <p>«خواجه در بند نقش ایوان است» (سعدی)</p>	<p>۱- گروه الف^{۸۱}</p> <p>پیدا کردن واژه ی «ایوان» و مترادف های آن در اشعار ایرانی و گویش های محلی (تعمق در واژگان و عبارات)</p>
<p>جستجو در واژگان محلی؛ واژه ی «وَرْتَرَمَه» که معنی ورودی خانه یا پیش خانه می دهد و در گویش محلی کردی کلهری به ایوان اطلاق می گردد.</p>	
<p>فعالیت های درون ایوان؛</p> <p>دور هم جمع شدن و نشستن اعضاء خانواده، خوردن غذا و شربت (در تابستان)، خوابیدن، بازی کردن بچه ها، پاک کردن سبزی و پختن غذا، خشک کردن سبزی و گردو، فرش بافی و حصیر بافی، نگهداری از مواد غذایی و گوشت (در زمستان). ایوان در فصول سرد کمتر استفاده می شود. ایوان در طول روز بیشتر در اختیار زنان، کودکان و سالمندان است. در حالی که با نزدیک شدن به عصر و شب به تدریج همه ی اعضای خانواده از ایوان استفاده می کنند.</p> <p>مصاحبه ها</p>	<p>۲- گروه ب^{۸۲}</p> <p>گفتگو با افراد غیر حرفه ای، رجوع به تصاویر موجود از فضای ایوان، (پرسیدن سوالات استقهامی)</p>
<p>قیاس ایوان با بالکن (تراس)</p> <p>هر دو از زمین ارتفاع دارند. (تشابه)</p> <p>بالکن گاهی تبدیل به انبار دور ریختنی ها می شود ولی ایوان اینگونه نیست. (تفاوت)</p> <p>بالکن دید محدودتری نسبت به ایوان دارد. (تفاوت)</p> <p>ایوان معمولا پیش ورودی به فضایی است ولی بالکن معمولا در انتهای فضا قرار می گیرد. (تفاوت)</p> <p>ایوان کانونی است برای تزیینات ولی بالکن معمولا اینطور نیست. (تفاوت)</p>	<p>۳- گروه ج^{۸۴}</p> <p>مقایسه ی ایوان با تراس، حیاط و غیره. (مقایسه کردن با موضوع نزدیک)</p>
<p>قیاس ایوان با حیاط، پشت بام، شناسیل^{۸۵}، رواق و پاسیو</p>	
<p>شباهت ها؛ ایوان بین فضای درون و بیرون قرار می گیرد، مرتفع و نیمه بسته است، رو به یک منظره در بیرون یا درون بناست، معمولا سقف دارد، اولین چیزی از بناست که جلب نظر می کند، معمولا در محور بناست ولی می تواند در گوشه هم باشد، می تواند مطابق باشد.</p>	<p>۴- گروه د^{۸۶}</p> <p>مقایسه کردن ایوان های روستایی و شهری</p>
<p>تفاوت ها؛ ایوان روستایی ساده تر است، تنوع شکلی و تزیینات کمتری دارد. ایوان ها به لحاظ مصالح، هندسه، اندازه، میزان محصوریت، ستون داشتن یا نداشتن و جهت گیری مشوع و متفاوتند.</p>	
<p>شباهت ها؛ ایوان در هر چهار نوع اقلیم، رو به یک فضای مطلوب است، از سطح زمین ارتفاع دارد، به اطراف اشراف دارد، فضایی برای دور هم جمع شدن افراد و نشستن دارد. اما شکل کلی ایوان در اقلیم های مختلف با هم متفاوت است. مثلا؛ سقف ایوان در اقلیم معتدل و مرطوب شیبدار است ولی در اقلیم گرم و خشک منحنی (طاق دار) است، موقعیت ایوان در بنا در اقلیم های مختلف با هم متفاوت است مثلا؛ در اقلیم معتدل و مرطوب معمولا ایوان در چهار طرف بنا می چرخد ولی در اقلیم گرم و خشک ایوان در یک جبهه و پشت به آفتاب است، ایوان در اقلیم گرم و خشک رو به منظره ای در درون بنا دارد ولی در اقلیم معتدل و مرطوب رو به منظره ای در بیرون بناست.</p>	<p>۵- گروه ه^{۸۷}</p> <p>مقایسه کردن ایوان در چهار اقلیم</p>

^{۸۰} - اسامی دانشجویان هر گروه در توضیحات پاورقی آورده می شود و از آنجا که تمرین در دو کلاس انجام شده دانشجویان با عنوان گروه یک و دو مشخص می گردند.

^{۸۱} - گروه اول؛ علی محمدی، روح ... ایزدی. گروه دوم؛ بهناز علامی، سماء فرج الهی، پریا واعظی، آیدا خلیلی، سید علیرضا نورالهی

^{۸۲} - هر یک از صفاتی که برای ایوان آشکار شده، مستخرج از قطعه شعری است که همراه با آن آورده شده است. اشعار دیگری هم مضمن این معنا بوده اند که در جهت کوتاه شدن متن آورده نشده اند.

^{۸۳} - گروه اول؛ فاطمه مرادی، عاطفه میرزایی، فاطمه محمدخانی، کیمیا نقشبندی. گروه دوم؛ دینا حجتی، حسام کهزادی، هانیه نیازی، حنا مصطفایی، فرناز قنبری

^{۸۴} - گروه اول؛ دریا میری، بهاره مرادی، یاسمن یوسفی. گروه دوم؛ پردیس کریمی، نادیا فرازمنند، حمیدرضا حدیدی، لعیا تکش، کیمیا بیگیان

^{۸۵} - بالکن چوبی کرکره دار که جلو پنجره های طبقات فوقانی خانه ها قرار دارد و بیشتر در معماری سواحل جنوبی ایران یا در کشور عراق دیده می شود.

^{۸۶} - گروه الف؛ فرشته نجفی، فرگل حیدری، گلناز مژگانی / گروه ب؛ زهره علیدادی، فاطمه موسوی، نیلوفر ارژنگی، ثنا امیریان، امیرمسعود رضائیان

^{۸۷} - گروه الف؛ گلاره شفیع، فاطمه حسینی، فائزه ویسی، هانیه اردکانی، رضا کمری / گروه ب؛ کیمیا اکبری، مهوش بهرامی، پگاه رفیعی، محمود پرویزی، عرفان رضوی

تفاوت ها؛ میزان محصوریت، تناسبات، مصالح، اجزاء، بیرون زده بودن یا فرورفته بودن ایوان هم در اقلیم های مختلف با هم متفاوت است.
--

جدول ۳؛ بخشی از داده های جمع آوری شده توسط دانشجویان با کمک مدرس. ۱۳۹۸

کدهای گزینشی (مرحله ششم تمرین)	کدهای محوری (مرحله پنجم تمرین)	کدهای باز (مرحله پنجم تمرین)	نتایج حاصل از بخش دوم تمرین	
<p>- ارتباط داشتن با منظر مطلوب (ایوان باید رو به یک منظر خوب باشد).</p> <p>-نیمه باز بودن، ارتباط با بیرون در محور افقی</p> <p>(ایوان باید حداقل یک وجه باز در محور افقی داشته باشد).</p> <p>-اشراف به محیط پیرامونی</p> <p>(ایوان باید ارتفاعی هرچند اندک از زمین داشته باشد).</p>	<p>وجوه اصلی تر</p> <p>-شأن و اهمیت معنایی</p> <p>-اشراف به محیط</p> <p>-پناهگاه بودن (به لحاظ فراهم کردن آسایش و آرامش برای انسان)</p> <p>-ارتباط توأمان با فضای باز و بسته (واسطه بودن، بینابین بودن)</p> <p>-ارتباط داشتن با منظر مطلوب (در محور افقی)</p> <p>-ارتباط داشتن با طبیعت</p>	<p>-پناه گاه بودن</p> <p>-لبه داشتن</p> <p>-مرتفع بودن</p> <p>-طاق داشتن</p> <p>-گنجایش داشتن</p> <p>-جلوه گاه خانه بودن</p> <p>-ورودی خانه (اتاق) بودن</p>	<p>۱- گروه الف</p> <p>پیدا کردن واژه ی «ایوان» و مترادف های آن در اشعار ایرانی و گویش های محلی (تعمق در واژگان و عبارات)</p>	
		<p>-فضای مکث بودن</p> <p>-فضای مطبوع بودن</p> <p>-کانون های تعاملی اعضا خانه بودن</p> <p>-فضای کار و فضای بازی بودن</p> <p>-محافظت کننده بودن</p> <p>-انعطاف پذیر بودن</p> <p>-قسمتی از حیاط بودن</p> <p>-مسقف بودن</p> <p>-مرتفع بودن</p> <p>-واسطه ی بین حیاط و خانه بودن</p> <p>-سایه داشتن</p>	<p>۲- گروه ب</p> <p>گفتگو با افراد غیر حرفه ای، رجوع به تصاویر موجود از فضای ایوان، (پرسیدن سوالات استفهامی)</p>	
		<p>وجوه خاص تر</p> <p>-تزئینات</p> <p>-هندسه، شکل، تعداد طبقات، اجزاء</p> <p>-موقعیت در پلان</p>	<p>-مرتفع بودن</p> <p>- فضای فعالیت بودن</p> <p>-دید و منظر داشتن</p> <p>-موقعیت محوری داشتن</p> <p>-موقعیت مرکزی داشتن</p> <p>-جلوه گاه بنا بودن</p> <p>-ارتباط با آسمان داشتن</p> <p>-ارتباط افقی با بیرون داشتن</p>	<p>۳- گروه ج</p> <p>مقایسه ی ایوان با تراس، حیاط و غیره. (مقایسه کردن با موضوع نزدیک)</p>
		<p>-جهت گیری</p> <p>- نوع فعالیت ها</p>	<p>-واسطه بودن</p> <p>-مرتفع بودن</p> <p>-نیمه بسته بودن</p> <p>-رو به یک منظر بودن</p> <p>-جلب نظر کننده بودن</p> <p>-در محور بنا بودن، سقف داشتن، مطبق بودن، تزئینات داشتن، نوع مصالح، هندسه، اندازه، میزان محصوریت، ستون داشتن یا نداشتن و جهت گیری وجه خاص و متنوع ایوان است.</p>	<p>۴- گروه د</p> <p>مقایسه کردن ایوان های روستایی و شهری</p>
				<p>- رو به یک فضای مطلوب بودن</p> <p>-مرتفع بودن</p> <p>-اشراف داشتن به محیط پیرامونی</p> <p>- فضای دور هم جمع شدن</p> <p>- شکل، موقعیت، رو به بیرون درون یا بیرون بیرون داشتن، میزان محصوریت، تناسبات، مصالح، اجزاء، بیرون زده بودن یا فرورفته</p>

		بودن وجه خاص و متنوع ایوان است.	
--	--	---------------------------------	--

جدول ۴؛ کدهای باز، محوری و گزینشی درباره ی ایوان، توسط دانشجویان با کمک مدرس. ۱۳۹۸

۴- بحث

راهکارهای ارائه شده در نظریه ی زمینه ای برای فهم وجوه و حدود موضوع، بر محور عبور از پیش فرض های ذهنی و به گونه ای نو دیدن موضوع استوارند و با شناخت خلاقانه نسبت دارند. در پژوهش حاضر این راهکارها در قالب یک تمرین چند مرحله ای در جهت فهم وجوه ایوان توسط دانشجویان معماری به کار گرفته شده است. برای یافتن پاسخ این پرسش که «آیا به کارگیری راهکارهای مذکور تأثیری بر فهم دانشجویان از فضای ایوان (به عنوان یک نمونه) داشته یا خیر»، لازم است تصور اولیه ی آنها از این فضا را که در مراحل اولیه ی تمرین ثبت شده است، با تصور نهایی آنها بعد از به کار گیری روشهای مذکور، مقایسه نمود. میزان کارآمد بودن روشهای مطرح شده، از سویی به توفیق دانشجویان در یافتن وجوه هر چه بیشتر از ایوان (وسعت دامنه ی وجوه نزد آنها) و از سوی دیگر به توفیق آنها در تشخیص وجوه ثابت تر از وجوه نسبی تر این فضا و توانایی اولویت بندی درست تر از این وجوه بستگی دارد.

با مقایسه ی تصور اولیه و ثانویه ی دانشجویان (مقایسه ی جدول ۲ و ۳) نکاتی آشکار می گردد؛

اول؛ تصور اولیه ی هر دانشجو از ایوان شامل وجوه محدودی بوده است؛ در ابتدا هر دانشجو به دو یا سه ویژگی ایوان اشاره کرده، در حالی که در پایان تمرین و حتی قبل از بحث و تبادل نظرهای نهایی در کلاس، هر دانشجو حداقل شش وجه از وجوه ایوان را شناخته است. بعد از انجام تمرین، تصور دانشجویان از فضای ایوان از چند نظر گسترش یافته است؛ ۱- فعالیت های قابل رخ دادن در ایوان؛ این که دامنه ی فعالیت هایی که می تواند در این فضا انجام شود بسیار وسیع و متنوع است. ۲- فهم وجود تناسب میان نوع فعالیت های درون این فضا با زمان انجام آنها در طول شبانه روز و در طول فصول سال؛ این که مثلاً در طول روز ایوان بیشتر فضای کار و بازی است و در عوض در عصر و شب بیشتر جای فعالیت های فراغتی و استراحت است. ۳- توجه به بعضی اجزاء ایوان که قبلاً متوجه آن نبوده اند؛ مثلاً نقش جانپناه و لبه در افزایش ایمنی این فضا. ۴- کشف بعضی معانی ایوان؛ به عنوان مثال این که ایوان می تواند جلوه گاه بنا باشد و یا شأن اجتماعی ساکنین بنا را بنماید. ۵- آشنایی با تنوع اشکال، مصالح، اجزاء، هندسه، اندازه، جهت گیری و موقعیت های قابل تحقق برای ایوان. ممکن است این طور به نظر برسد که گسترش دامنه ی فهم دانشجویان به دلیل تبادل نظر میان اعضا گروه بوده و اگر تصورات اولیه ی دانشجویان از ایوان هم در قالب بحث های گروهی قرار می گرفت کامل تر می شد. باید اذعان داشت که گروهی بودن تمرین بر گسترش دامنه ی فهم دانشجویان موثر بوده است اما مبنای وسعت یافتن این دامنه، مدارک و تصاویری است که هر دانشجو برای انجام تمرین جمع آوری نموده است. به عبارتی اگر تصور اولیه ی دانشجویان در گروهها به بحث گذاشته می شد، برای هر فرد، مبنای مستدلی در پذیرش تصور دیگران درباره ی ایوان وجود نداشت اما در خلال انجام تمرین دانشجویان، یکدیگر را درباره ی وجهی از ایوان که به استناد تصاویر و مدارک کشف کرده بودند، قانع می کردند و در صورت موفقیت در اقناع مخاطب، آن وجه به دایره ی فهم افراد اضافه می شد.

دوم؛ از طریق کدهایی که بر اساس فراوانی، از تصورات اولیه ی دانشجویان درباره ی ایوان محوربندی شده (جدول ۲)، مشخص می گردد از نظر آنها سه وجه «فعالیت ها»، «هندسه، اندازه و تناسبات» و در نهایت «اجزاء و مبلمان»، اصلی ترین وجوه ایوان بوده است. در حالی که بعد از کاربرد روشهای مذکور، دانشجویان از طرفی توانستند بین وجوه اصلی تر و وجوه نسبی تمایزی قائل شوند و از طرف دیگر متوجه نسبی بودن وجوه اولیه ای که مهم می دانستند شده و توانستند وجوه مهمتری مثل وجه معنایی ایوان، اشراف آن به محیط، پناهگاه بودن، واسطه فضای باز و بسته بودن، ارتباط داشتن با منظر مطلوب و ارتباط داشتن با طبیعت را به عنوان وجوه اصلی ایوان شناسایی نمایند. به عبارتی توانایی ذهنی دانشجویان در تشخیص وجوه اصلی و وجوه خاص تا حدی افزایش یافته و همچنین توانستند ویژگی های اصلی تر ایوان را شناسایی و دسته بندی کنند.

سوم؛ از مقایسه ی کدهای گزینشی درباره ی ایوان که حاصل ساز مخالف زدن دانشجویان بوده است و همچنین داستان این فضا در نظر آنها قبل از به کارگیری روشهای مذکور و بعد از آن مشخص می گردد که در ابتدا دانشجویان بیشتر متوجه اجزاء ایوان و لزوم آسایش بخش بودن این فضا برای جسم کاربران بوده اند در حالی که بعد از تمرین، متوجه وجوه معنایی تر ایوان و صفاتی شده اند که ایوان را از دیگر فضاها

متمایز می کند؛ صفاتی که بیش از هر فضای دیگری در ایوان محقق شده و به عبارتی علت وجودی ایوانند. به عبارتی دانسته اند که اصلی ترین کار ایوان و وجه ممتاز آن، در عین محافظت کردن از جسم انسان، قرار دادن او در جایگاه نظاره گر بودن است. بیشتر فضاهای معماری وظیفه ی محافظت از جسم انسان را انجام می دهند ولی مشخصا وظیفه ی قراردادن انسان در این جایگاه را ندارند.

چهارم؛ مقایسه ی داستان اولیه و ثانویه ی ایوان، این نکته را برای دانشجویان آشکار نمود که تصور اولیه شان از این فضا درست اما ناقص بوده است. در حالی که با طی کردن مراحل تمرین و کامل تر شدن فهم شان از این فضا حالا دو داستان دارند که می توانند با کنار هم گذاشتن آنها داستان ایوان را کامل تر کنند. نتیجه ی این ترکیب فهم دو صفت اصلی «پناه دهنده بودن» و «نظاره گر بودن» برای ایوان است.^{۸۸}

چنان که دیده می شود به کارگیری روشهای مطرح شده در نظریه ی زمینه ای در قالب یک تمرین، از سویی دامنه ی وجوه یک موضوع (ایوان) را در ذهن دانشجویان وسعت بخشیده و از سوی دیگر سبب تصحیح و تدقیق تصورشان از این فضا شده است به طوری که توانسته اند تمایزی میان وجوه ثابت و نسبی آن برقرار سازند.

۵- نتیجه گیری

یافتن نقطه ی شروع برای جمع آوری داده ها، چگونگی بررسی داده ها و از همه مهمتر انتخاب داده های موثر و وجوه اصلی مسأله بسیار دشوار است. این دشواری در حوزه ی آموزش معماری به خصوص برای دانشجویان دروس پایه مضاعف می شود. اصلی ترین راهکارهای مطرح شده در این زمینه، معطوف به تقویت توانایی بسط دامنه ی فهم و تعمق فهم از مسأله است که هر دو امر تا حد زیادی از طریق تلاش برای به گونه ای نو دیدن مسأله قابل دستیابی است. یکی از حوزه هایی که راهکارهای کارآمدی در این زمینه ارائه می نماید و در عین حال کاربرد آن در حوزه ی طراحی تا کنون مغفول مانده، نظریه ی زمینه ای است. بر این مبنا سوال این پژوهش، ناظر به بررسی کاربرد روشهای نظریه ی زمینه ای برای فهم موضوع در حوزه ی آموزش معماری است. برای سنجش تاثیری که این روشها بر فهم دانشجویان می گذارند، یک تمرین طرح و تحلیل شده است. تمرینی که مبنای آن استفاده از روشهای مذکور است.

نتایج تمرین مطرح شده نشان می دهد تصور اولیه ی دانشجویان از فضای ایوان به عنوان یک مصداق، بعد از به کار بردن روشهای نظریه ی زمینه ای، بسط یافته، تصحیح و تدقیق شده است. تا آنجا که در پایان تمرین دانشجویان توانسته اند علاوه بر کشف ویژگی های بیشتری از ایوان، صفت های اصلی تر این فضا را که به علت وجودی آن مربوط است فهم کنند. این نتایج نشان دهنده ی تأثیر مثبت کاربرد روشهای نظریه ی زمینه ای برای فهم موضوع در آموزش معماری است. با این حال ذکر فرصت ها و محدودیت های طرح تمرین های اینچنینی و کاربرد این روشها در آموزش معماری لازم می نماید؛

از اصلی ترین فرصت های کاربرد روشهای مذکور در کلاس طراحی، ایجاد امکان برای تأمل و غور بیشتر در موضوعات، تعامل بیشتر دانشجویان با یکدیگر و با مدرس کلاس، افزایش روحیه ی کار گروهی، افزایش توانایی تحمل فضای مبهم تا رسیدن به نتیجه و در نهایت افزایش اعتماد به نفس در دانشجویان است. در خلال کاربرد این روشها، دانشجویان متوجه اهمیت توجه به مسأله و ارتباط آن با رسیدن به پاسخ طراحی شده و با بعضی روشهای احراز فهم که در آینده ی حرفه ای به کارشان می آید، آشنا می شوند. به علاوه به فهم درونی شان اعتماد بیشتری پیدا می کنند و متوجه می شوند که شناخت درست، از طریق پیمودن مسیر رفت و برگشتی میان فهم درونی و منابع بیرونی می گذرد و اتکاء صرف به یکی از این دو کار نادرستی است.

از محدودیت های کاربرد روشهای مذکور در کلاس طراحی، می توان به موارد زیر اشاره نمود؛

- لزوم آشنایی قبلی و قابل قبول مدرس با روشهای نظریه ی زمینه ای و نحوه ی کار با آنها.

- زمان بر بودن تمرین به دلیل نیاز به بحث و گفتگوهای فراوان در کلاس.

- امکان خسته کننده بودن بحث ها برای دانشجویان. از جمله بعضی راهکارهای رفع این محدودیت می تواند ایجاد جو رقابتی در کلاس از طریق گروهی نمودن بخش هایی از تمرین و همچنین ارائه ی توضیحات کافی به دانشجویان پیش از هر مرحله از تمرین باشد.

- لزوم آشنا نمودن دانشجویان با روشهای استفاده شده حداقل در پایان تمرین. تا آنها صرفا در نتایج متوقف نشده و بتوانند در آینده از

این روشها استفاده کنند.

- ضرورت تکرار کاربرد روشهای مذکور در نیمسال های متوالی در جهت نهادینه شدن آن برای دانشجویان.

^{۸۸} - نکته ی قابل توجه این است که ترکیب دو صفت پناه دهنده بودن و نظاره گر بودن، به عنوان یکی از الگوهای مطلوب و کیفیت بخش به فضاها عنوان شده است.

(Max Jacobson and others. Patterns of home; the ten essentials of enduring design: 206-230)

- ضرورت پذیرش نگرانی پیودن مسیر تا حدی زیادی مبهم تمرین. چنان که در بیشتر موارد مدرس هم از نتایج تمرین آگاه و مطمئن نیست.

بدیهی است تمرین مورد تحلیل در این نوشتار تنها یک نمونه از تمرین های قابل طراحی در جهت کاربرد روشهای نظریه ی زمینه ای در آموزش معماری است. علاوه بر این که طراحی تمرین های مشابه و ارزیابی آنها می تواند اعتبار کاربرد این روشها را دقیق تر بسنجد، راه بر استفاده از گونه های متنوعی از کاربرد این روشها به عنوان مثال در شناخت بستر طرح در حوزه ی آموزش معماری باز است.

منابع؛

- آنتونیادس، آنتونی سی. (۱۳۸۶). «بوطیقای معماری؛ آفرینش در معماری» احمد رضا آی. تهران: سروش. چاپ سوم
- ادواردز، بتی. (۱۳۷۷). طراحی با سمت راست مغز. شروه عرب علی. تهران: عفاف
- استراوس، انسلم. کریبن. جولیت. (۱۳۹۷). «مبانی پژوهش کیفی؛ فنون و مراحل تولید نظریه ی زمینه ای». ابراهیم افشار. تهران: نی. چاپ هفتم
- جعفری، رشید. ندیمی، حمید. ملک، نیلوفر. (۱۳۹۸). درباره ی نوستالژیا و معماری؛ تبیین وجوه معماری مبتنی بر نوستالژیا با بهره گیری از نظریه ی زمینه ای. مجله ی صفا. شماره ی ۸۶. صص ۱۹-۵
- دانشگر مقدم، گلرخ. (۱۳۸۸). «فهم مسأله ی طراحی در آموزش معماری؛ بررسی مؤلفه های مؤثر بر فهم کافی از مسأله ی طراحی به عنوان آغازگاهی برای طراحان مبتدی». نشریه هنرهای زیبا. شماره ی ۵۹. بهار. صص ۶۸-۵۹
- سرفصل مصوب شورای عالی برنامه ریزی، (۱۳۷۷). وزارت فرهنگ و آموزش عالی
- شریعت راد، فرهاد. ندیمی، حمید. (۱۳۹۵). «قاب بندی مسأله؛ راه طراحی روبرویی با مسأله ی طراحی». صفا. شماره ی ۲۶. پاییز. صص ۲۴-۵
- شریعت راد، فرهاد. ندیمی، حمید. (۱۳۹۱). «منابع ایده پردازی معماری؛ جستاری در ایده پردازی چند معمار از جامعه ی حرفه ای کشور». نشریه هنرهای زیبا. شماره ی ۲. دوره ی ۱۷. تابستان. صص ۱۴-۵
- قاسمی اصفهانی، مرورید. (۱۳۸۳). «اهل کجا هستیم؛ هویت بخشی به بافت های مسکونی». تهران: روزنه
- قوام صفری، مهدی. (۱۳۸۷). «نظریه ی صورت در فلسفه ی ارسطو». تهران: حکمت. چاپ دوم
- عباس زاده، محمد. حسین پور، ابراهیم. (۱۳۹۰). کاربرد تثلیث در پژوهش های کیفی (با تاکید بر رویکرد نظریه ی زمینه ای). فصلنامه ی روش شناسی علوم انسانی. س ۱۷. شماره ی ۶۷. تابستان. صص ۱۶۶-۱۴۷
- غریب پور، افرا. (۱۳۸۹). «مفهوم عملکرد در اندیشه ی لویی کان». مجله ی صفا. شماره ی ۵۱. پاییز و زمستان. صص ۴۰-۳۱
- لاوسون، برایان. (۱۳۸۴). «طراحان چگونه می اندیشند». حمید ندیمی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- لازیو، پل. (۱۳۷۷). «تفکر ترسیمی برای طراحان و معماران». سعید آقایی و محمود مدنی. تهران: هنر و معماری.
- لک، آزاده. (۱۳۹۳). کاربرد نظریه ی زمینه ای در پژوهش طراحی شهری. مجله ی صفا. شماره ی ۶۴. بهار. صص ۶۰-۴۳
- مال گریو، هری فرانسیس. (۱۳۹۵). مغز معمار؛ علوم اعصاب، خلاقیت و معماری. تهران: هنر معماری قرن
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). تجربه ی نوسازی، مطالعه ی تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه ی زمینه ای. نشریه ی جامعه شناسان. تهران
- مسعود، محمد. ولید مغربی، شاهد. حسینی یزدی. سمیرا سادات. (۱۳۹۰). «نقش تمثیل در روند طراحی معماری». مجله ی صفا. شماره ی ۵۳. تابستان. صص ۴۲-۳۳
- Jacobson, M., Silverstein, M., Winslow, B. (2002). Patterns of home; the ten essentials of enduring design. Taunton press
- Kruger, C & Cross, N. (2006). "Solution driven versus problem driven design: strategies and outcomes, in Design Studies, vol. 27, No.5, pp.53-72
- Corbin, J. and Strauss, A. (1990). "Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory". London: SAGE
- <https://www.etymonline.com>
- <https://www.vajehyab.com>
- www.oxforddictionaries.com
- <https://en.tripiyar.com>
- <https://www.mizanonline.com>
- <https://www.persistour.com>

Title; A Survey on application of grounded theory methods to understand properties of subject, in architectural education (case study: understanding "Eivan")

This research is about the use of grounded theory methods in Cognition phase of design process in architectural courses. These methods are designed to help the qualitative researchers to understand properties and dimensions of a research subject but they can also be applied to help the designers to understand design problems. Understanding design problem by students is one of the most important matters in teaching architecture, so the question is ; "If applying grounded theory methods in architectural education influence student's imagination about design subject?" To answer this question this research surveys and criticizes an exercise done in an architectural course.

Design problems are ill-structured so a designer should redefine the problem by choosing some properties of it for themselves. According to this, recognition the important part of a problem is necessary ability for a designer. Generally a design issue has two parts; subject and context. So designers should can recognize important properties and dimensions of both subject and context. But here to limit the research, just recognizing the subject of design will be survived.

Research paradigm is qualitative and its strategy is case study: to assessment the hypothesis, an architectural exercise which has been done by use of this methods will be explained and tested. The research method has two parts; in the first part, written sources about grounded theory will be analyzed and total methods for understanding properties and dimensions of subjects will be derived. These methods will also be compared with creativity methods. Methods of grounded theory to recognize the properties and dimensions of a subject are three: "The use of Questioning", "Analysis of a word, phrase, sentence", Analysis Through Comparisons. The last method has two manners: 1) comparing the subject with close subject or with far one and.2) Waving the Red Flag. All of these methods are applied to reinforce the ability to pass assumptions and try to see the subject through a new lookout, So they are similar to creativity methods. In the second part, an exercise will be analyzed. This exercise is about an important place in Iranian architecture; Eivan. in the first part of exercise student's primary imaginations about Eivan have been registered. Some codes have been derived from these imaginations by researcher. The second part of exercise is related to applying these methods to know Eivan by students. In this part some properties of this place have been coded by students and after that the researcher categorizes them. Finally these two group of codes will be compared to show changes in student's assumption of Eivan.

The result of his research is that; by applying the methods of grounded theory, students of architecture could scrutinize, complete, correct and classify their assumption about "eivan". They could also separate essential and durable properties of "eivan" from variable properties. finally the students could specify the hierarchies of these properties. In addition the exercise had a tacit result; students discovered a couple of essential quality for every spaces; being "refuge and outlook".

Future researchs can be designed to survey applying grounded theory methods for understanding properties and dimensions of context in design problems.

Key words; properties, dimensions, design subject, grounded theory, architectural education, Eivan